

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌چم پرنتر برنا</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ در شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر ۱۲/۱۸ اذان مغرب ۱۷/۵۹ نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ اذان صبح فردا ۵/۳۲ طلوع آفتاب فردا ۶/۵۷</p>	

امام صادق (ع):

هرکس که در مورد خود، رعایت انصاف ننماید، به داوری دیگران پذیرفته شود.

سخن روز
کافی، ج ۲، ص ۱۴۶

نگاره



ایمان نوری نجفی



این چه سؤالی بود؟

سؤال یک خبرنگار از پژمان جمشیدی در نشست خبری فیلم «خط قرضی» واکنش‌هایی را همراه داشت که بیشتر در حمایت از جمشیدی بود. خبرنگاری در این نشست از جمشیدی پرسید: «در فوتبال که به جایی نرسیدید!ا در سینما هم! فکر نمی‌کنید برای دیده شدن راه‌هایی به جز سینما هست؟» این سؤال به نظر خیلی‌ها مؤبدانه نبود و واکنش جمشیدی در مقابل آن از سوی کاربران تمجید شد: «مخالف سؤال انتقادی نیستم ولی لحن سؤال نشان دهنده شخصیت شماست»، «مسخره کردن بازیگرها و سلب‌ریتی‌ها امر رایجی است. اما در مورد پژمان جمشیدی گمان می‌کنم قضیه به گونه‌ای عناد سیستماتیک تبدیل شده: هر کاری کند



تحقیرش می‌کنند. والا کمتر از بقیه «امثال»‌ش بازیگر نیست کما اینکه در فوتبال هم همین بود. دلپیش چیست؟»، «این پژمان جمشیدی که ثوی کنتراشتی خبری فیلم خط قرضی دیدیم، پخته‌ترین و تحسین برانگیزترین نمونه از یه فوتبالیست و سینماگر ایرانیه. از یاد نبریم همین امسال مهدویان و سال قبل حاتمی کیا و حجاری فرس سر سؤالات مؤبدانه‌تر از این فقط بزن بدن نکردن»، «خبرنگاره یه جوری به پژمان

به نام تاریخ

در برگه تقویم امروز نام‌هایی از فرهنگ و هنر می‌بینیم که اینجا

فقط مجالی کوتاه برای نوشتن از آنها داریم.

تولدها



مهرداد اوستا:نویسنده و شاعر مطرح ایران سال ۱۳۰۸ در چنین روزی به دنیا آمد. مجموعه اشعار «از کاروان رفته»، «حماسه آرش»، «شراب خلنگی ترس

محتسب خورده» و «امام، حماسه‌ای دیگر» و داستان‌های «پالیزبان»، «از امروز تا هرگز» از آثار مهرداد اوستا است.

اوستا برگزیده نخستین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر بود. او سال ۱۳۷۰ درگذشت.
ژول ورن:نویسنده فرانسوی علمی-تخیلی سال ۱۸۲۸ در چنین روزی متولد شد. ژول ورن با داستان‌هایی چون «پنج هفته در بالان»، «سفر به اعماق زمین»، «بیست هزار فرسنگ زیر دریا»، «در مدار ماه»، «دور دنیا در هشتاد روز»، «میشل استروگف»، «اسرار معدن زغال سنگ»، «کاپیتان سال» و «دیوار چین»، «هشتصد فرسنگ در آمازون»، «برادران ماجراجو» و «هجوم دریا» به شهرت رسید. او که سال ۱۹۰۵ درگذشت پس از آگاتا کریستی پرترجمه‌ترین آثار ادبی را در دنیا داشته است.

جیمز دین بازیگر آمریکایی، **ابراهیم پورداوود** ایران‌شناس و مترجم فارسی اوستا، **محمد نجاحی**

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵

پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
مصدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌چم پرنتر برنا

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ در شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewsaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۸ | اذان مغرب ۱۷/۵۹ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۶ | اذان صبح فردا ۵/۳۲ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۷

امام صادق (ع):

هرکس که در مورد خود، رعایت انصاف ننماید، به داوری دیگران پذیرفته شود.

سخن روز
کافی، ج ۲، ص ۱۴۶

یادداشت



حمیدشاهنکیان آهنگساز



بخشی از گفته‌های این خواننده و نوازنده خراسانی با اینا

انقلاب، ماهیتی فرهنگی و زبانی هنری داشت

ساخته شد، جامعه‌انقلابی تشنه این نوع کارها بود اما امروز این تشنگی به میزان گذشته وجود ندارد و شاید بهتر است بگوییم مردم به واسطه شنیدن انواع مختلف موسیقی سیراب شده‌اند. اما اگر بپرسید این کارهای انقلابی با این مشخصه هیچ جایگاهی در بین مردم ندارد پاسخ من منفی است، با اگر سؤال شود آیا از تولید این کارها استفاده‌ای صورت گرفته باید بگوییم هنوز هم می‌توان از این آثار بهره برد و حتی می‌توان با الهام از این سرودها و آثاری از جنس موسیقی انقلاب در پرورش نوجوانان و آموزش آنها استفاده کرد و سجایای اخلاقی آن را به نسل جوان آموخت. نکته دیگر این که فرهنگ و هنر در این سال‌ها نقش بسزایی در حفظ میراث انقلاب داشته‌اند و در بخش‌های مختلف همچون ادبیات، سینما، تئاتر، تجسمی و موسیقی به زیبایی تصویر انقلاب را ترسیم کرده‌اند، البته باید بگوییم در وهله اول انقلاب مایک انقلاب فرهنگ‌ی بوده بنابراین به دلیل اینکه ذات و جنس آن برخاسته از فرهنگ است طبیعتاً تجانس بسیاری با فعالیت‌های فرهنگی دارد و همانطور که اشاره کردم تمامی فعالیت‌های فرهنگی همچون خطاطی، نقاشی، طراحی، موسیقی، تئاتر و سینما هر یک می‌توانستند نقش خود را بدرستی در مورد انقلاب ایفا کنند و امیدوار هستیم این بخش از فعالیت‌های فرهنگی که نگاه انقلاب را در جامعه پیش چشم داشته همچنان متداوم باشد چرا که اگر این نوع فعالیت‌ها وجود نداشته باشد یا حضور کم رنگی داشته باشند، آرام آرام دلایل انقلاب جای خود را به عوامل انقلاب می‌دهند در حالی که دلایل انقلاب بسیار مهم‌تر از عوامل انقلاب هستند و وظیفه فرهنگ و هنر این است که این دلایل را ثابت و ضبط کنند. در آخر باید بگوییم مفهوم انقلاب اسلامی هرگز از بین نخواهد رفت و قطعاً در نسل‌های بعد هم این نگاه دنبال می‌شود و افرادی هستند که می‌خواهند بداندن انقلاب ۵۷ چگونه شکل گرفت و نتایج انقلاب چه بوده و یا چه اهدافی دنبال شده‌است؟ و چه میزان به اهدافش نزدیک شد یا فاصله گرفت! و… و بی شک آیندگان در طول تاریخ این مباحث را پیگیری خواهند کرد تا بداندن مورخین درباره انقلاب چه نوشته‌اند و این جست‌وجوگری‌ها موجب می‌شود نسل‌های آینده هم تأثیر انقلاب را مشاهده کنند.



سفری به ناکجا با بال‌هایی خیال انگیز

نیل گیمین معتقد است: «داستان یکی از دروازه‌ها به سوی خواندن است، خواندن شما را وادار می‌کند کلمات جدید فرا بگیرید و به افکاری جدید بیندیشید.» خواندن قطعاً می‌تواند انگیزه‌های متفاوت داشته باشد اما لذت بردن و اندیشیدن جزء جدایی‌ناپذیر آن خواهد بود، حتی اگر برای گریز از لحظات سخت باشد. آن وقت بال‌های خیال نویسنده هر چه خلاقانه‌تر پرواز با خیال مطمئن‌تر خواهد بود. قلم نویسنده هر چه قوی‌تر پر بین در جهان داستان راحت‌تر. اگر از دسته علاقه‌مندان به فانتزی هستیست حتماً با نام نیل گیمین نویسنده و فیلم‌نامه نویس مطرح و معاصر آشنابید. نویسنده‌ای که خواندن را کلیدی می‌داند که با آن می‌شود دنیا را به حرکت درآورد. گیمین بر این باور است که: «آسان‌ترین راه برای اینکه اطمینان حاصل کنیم کودکان باسواد تربیت کردایم این است که به آنها خواندن یاد بدهیم و نشان دهیم خواندن عملی لذتبخش است. کتاب‌مورد علاقه‌شان را در دسترس شان قرار داده و به آنها فرصت مطالعه بدهیم…» گیمین موفق به دریافت هر دو جایزه «نیوبری» و «مال» (کارنگی» برای یک اثر شده، آن هم به خاطر «کتاب گورستان»، در سال ۲۰۱۳ رمان «اقیانوس انتهای جاده» اش به عنوان کتاب سال بریتانیا معرفی شد. حالا می‌دانیم با چه نویسنده‌ای روبه‌رو هستیم. تازه‌ترین اثری که نشر پریان از او منتشر کرده رمان «ناکجا» است. «جایی هست که پیشتر آدم‌ها حتی خوابش را هم نمی‌بینند. شهر قدیس‌ها و هیولاه، قاتلان و فرشته‌ها. سواهیله‌های زرمیوش و دختران رنگ پریده با لباس مخمل مشکی. آن‌جا شهر مردمانی است که همیشه نادیده گرفته شده‌اند. ریچارد می‌هیو کارمند جوانی است که پیش از آن که بخواهد در گریز دنیای لندن زیرین می‌شود. یک عمل مهربانانه ساده او را از زندگی عادی و روزمره به دنیایی می‌برد که به طرز عجیب در انتظار اوست در آن جهان زیرین. در شهری که زیر شهر زاگاده اوست، ناکجا…» می‌هیو در جست‌وجوی هویت خودش است در ناکجا، او در آرزوی برگشتن به همان زندگی عادی و کسالت با خودش است اما با ماجراهایی عجیب و موهومات عجیبی باید سر و کله بزند تا بتواند جان

خودش را نجات بدهد. از میان مهی که هر آن ممکن است ناپدید بشود و دیگر هیچ اثری از او در هیچ جا نماند. در داستان‌های گیمین با نبرد نیروی خیر و شر روبه‌رو هستیم با همان قالب افسون‌ها. گیمین می‌گوید: «می‌خواستم کتابی بنویسم که برای بزرگسالان کاری را بکند که وقتی کوچکتر بودم، کتاب‌های مورد علاقه‌ام برای من می‌کردند. کاری که کتاب‌های الیس در سرزمین عجایب، کتاب‌های نارنیا یا جادوگر شهر اوز در کودکی برای من کرده بودند. می‌خواستم در مورد مردمی بنویسم که در شکاف سقوط می‌کنند. در مورد مخلوق و محروم شده‌ها و نفی بلد شده‌ها. آن هم با آینه فانتزی، که گاهی می‌تواند چیزهایی را که تا به حال

بارها دیده‌ایم، طوری به ما نشان بدهد که انگار اصلاً به عمرمان آنها را ندیده‌ایم…» جهان گیمین جهان خاص اوست که ما را به خیال و رؤیا وامی‌دارد. نویسنده‌ای که معتقد است کتاب بدرای پیچ‌ها وجود ندارد. او معتقد است داستان خواندن تخیل و همدلی را تقویت می‌کند. امتحان کنید باال‌هایی که به ما بخشیده به ناکجا برویم. ناکجا با تر جمه مهدی بنوازی توسط نشر پریان منتشر شده است کتابی برای نوجوانان و آدم‌بزرگ‌هایی که هنوز در دل شان هیجان و نوجوانی زنده است.

رسم‌عرب زاده: طراح برجسته فرش ایرانی سال ۱۳۷۵

درگذشت. رسم‌عرب‌زاده متولد ۱۲۹۳

و در رشته مینیاتور تحصیل کرد و بافت قالی را هم یاد گرفت و مدتی بعد طراحی فرش را آغاز کرد. آثار رسم‌عرب‌زاده مانند «هفت سین»، «بازی رنگ‌ها»، «گردونه روزگار»، «چوکان» و «اسرار جهان» در بنیاد فرهنگی و هنری فرش رسم‌عرب‌زاده و موزه فرش ایران نگهداری می‌شوند. ضمن اینکه از او تابلوهای

نقاشی چون «یوسف و زلیخا» هم به جا مانده است.

ژازه تباتبایی: نقاش و مجسمه ساز صاحب‌نام ایران سال ۱۳۸۶ درگذشت. ژازه تباتبایی متولد ۱۳۰۵ بود و با مجسمه‌های فلزی و هنر سقاخانه‌ای شناخته می‌شود. او برای ساخت مجسمه‌هایش از قطعات ماشین آلات صنعتی استفاده می‌کرد و برای این مجسمه‌ها و تابلوهای نقاشی اش نام‌هایی مانند «گنجشک‌اشی مشی»، «معضوق و غزال تنها»، «سرچشمه یادتوبودم»، «یوسف گفتار؟» و «حموک مورچه داره» استفاده می‌کرد که ریشه در فرهنگ عامه دارد.

جان گوین بازیگر آمریکایی هم در چنین روزی درگذشت.

عبدالعزیز احمدی: تازیانی که بز و گانمان زنده‌اند ساده از کنار آنان می‌گذریم

متأسفانه ذات بشر این‌گونه است که پس از فوت بزرگان به یاد آنها نمی‌افتیم، یعنی تازمانی که افراد برجسته و با اهمیت در قید حیات هستند، سراغی از آنها نمی‌گیریم، بخصوص شخصیت‌های هنری مانند براتعلی ابراهیمی و امثال ایشان، بی‌شک در ایران کهن و خراسان بزرگ شخصیت‌های بزرگی داشته‌ایم و داریم و تعدادشان کم نیست. جای تأسف است، تا زمانی که این بزرگان زنده هستند ساده از کنارشان رد می‌شویم و زمانی که از دست می‌روند، بیدار می‌شویم و حسرت می‌خوریم و به یادشان می‌افتیم، در حالی که هیچ کاری برایشان نکرده‌ایم.

بخشی از گفته‌های این خواننده و نوازنده خراسانی با اینا

روایتی از یک مأموریت متفاوت

و ماجراهای پیش روی آن

«محشر صغرا» یکی از تازه‌ترین کتاب‌هایی است که به‌همت نشر ثالث و همکارانم در این مؤسسه روانه کتاب‌فروشی‌ها شده، با اینکه اغلب ناشران کار نشر کتابی را نمی‌پذیرند مگر آن که مطابق با استانداردهای آنان باشد اما این کتاب فراتر از این بحث، جزء آثار موردعلاقه خودم نیز به شمار می‌آید. کتابی نوشته «تادئوش کونویسکی»، نویسنده و کارگردان لهستانی که در فرهنگستان زبان این کشور هم عضویت داشته است. «محشر صغرا» را منتقدان یکی از مهم‌ترین آثار ادبی لهستان طی حدود سه دهه اخیر می‌دانند: رمانی که همچون دیگر نوشته‌های «کونویسکی» داستانی آخراً زمانی است. از زاوی اصلی این رمان خواست می‌شود در اقدامی اعتراضی مقابل حزب کمونیست ورشو دست به خودسوزی بزند. «کنویکی» هم بی‌آنکه بیندیشد از این اقدام جان سالم به درمی‌برد یا نه می‌پذیرد که…

و این درست نقطه شروع داستانی است که در «محشر صغرا» پیش روی علاقه‌مندان قرار گرفته است. شخصیت اصلی این رمان بعد از قبول مأموریت مذکور، باقی روز را در خیابان‌های شهر پرسه می‌زند و خواننده نیز همراه با او اثرات ایدئولوژی و بوروکراسی‌های برخاسته از حکومت‌های توتالیتر را تجربه می‌کند و نزاع انسان برای بقا در برابر فنا شدن در راه هدفی بزرگ‌تر را به نظاره می‌نشیند. همان‌طور که پیش‌تر هم در خلال معرفی‌های این رمان هم آمده، «محشر صغرا» در عین ماجراجویی خاندانی، بخش‌هایی از پیشینه لهستان را هم پیش روی خوانندگان می‌گذارد؛ تصویری که در نهایت واقعیت‌گشوی تحت سلطه نظامی تمامیت‌خواه و زندگی دشوار مردمانش را روایت می‌کند. این کتاب به‌تازگی با تر جمه فروغ پوریاوری در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

■ محشر صغرا/ نویسنده: تادئوش کونویسکی / مترجم: فروغ پوریاوری / ناشر: ثالث



World Stageای جدیدترین بخش این پروژه و شامل مجموعه‌ای از هفت فیلم کوتاه است که در آن ۱۴۰ شهروند چندزبانه بیرمنگامی به ۹۲ زبانی که در این کلسیون پیدا می‌شود، نقش بازی می‌کنند.



کاخکاز در کرانه هاروکئی موراکامی، مهدی غبرایی نشر نیلوفر

حالا که به هم سلام کردیم باید بگوییم وقت وداع نزدیک است. به قول معروف زندگی ما مثل وداعی طولانی است، درست مثل گل‌هایی که دستخوش طوفان پراکنده می‌شود.

پاسر لشکر شهید مجید بقایی

پاسداری که راضی نشد به دیدار امام برود!

مجدد در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ در شهرستان بهبهان استان خوزستان متولد شد و در بهمن ۱۳۶۱ به شهادت رسید. او براسی فرزند بهمن و فجر بود. فعالیت‌های مذهبی خود را از همان اوان کودکی با تکبیر گفتن در مساجد آغاز کرد. بزرگتر که شد در سایه مکتب اسلام و با بهره‌گیری از کلام مولایش علی (ع) که دشمن ستمگر و یاور مظلومان باشد، ستم و ظلم رژیم پهلوی را تحمل نکرد و طی دوران دبیرستان یکی از فعال‌ترین دانش‌آموزان در زمینه سیاسی، دینی، اجتماعی و ورزشی بود، پس از سپری کردن تحصیلات دبیرستان و گذراندن کنکور، در رشته مهندسی شیمی دانشگاه اهواز پذیرفته شد، اما این رشته نظرش را تأمین نکرد و گفت: من باید کاری را به عهده بگیرم که واقعاً بتوانم خدمت به این مردم مستضعف بکنم. به همین دلیل سال آخر دبیرستان را مجدداً طی کرد و دیپلم رشته طبیعی را اخذ نمود و این بار پس از شرکت در کنکور، در رشته فیزیوتراپی دانشگاه اهواز قبول شد.

او در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ فعالیت‌های دانشگاهی خود را شروع و در رهبری مبارزات دانشجویی نقشی تعیین کننده داشت و با ورود به گروه انقلابی منصورون و در کنار جوانان مبارزی همچون محسن رضایی، غلامعلی رشید، علی شمخانی، برادران جهان آرا و… به مبارزه با رژیم ستمشاهی پرداخت؛ برخی از فعالیت‌های این گروه در بهبهان عبارت بود از: آگاهی دادن به مردم، متشکل کردن برادران حزب الله، انجام عملیات نظامی علیه عمل رژیم شاه.

او در شاخه نظامی گروه منصورون آغاز به فعالیت کرد که از جمله اقدامات وی در این زمینه جذب و سازماندهی جوانان مسلمان و ترور سروان داوودی و یکی از افسران شهربانی رژیم سابق که عامل خفقان در شهر بهبهان به شمار می‌آمد بود. شهید بقایی در زمینه خطاطی و نقاشی مهارت بسیار داشت و توانست نمایشگاهی از جنایت‌های ساواک در شهرها به نمایش گذاشته و جنایت رژیم پهلوی را بیشتر به مردم معرفی کند.

در سال ۱۳۵۴، فعالیت‌های او در دانشگاه گسترش یافت و با آغاز تحصیل در دانشگاه جندی شاپور (دانشگاه چمران)،

تماس‌هایش تشکیلاتی‌تر شد. وی برای مبارزه با رژیم شاه نقشی تعیین کننده را در رهبری مبارزات دانشجویی دانشگاه اهواز و غیر دانشگاهیان به عهده گرفت؛ در سال های ۵۵ و ۵۶ که مبارزات ملت مسلمان به اوج خود نزدیک می‌شد او از عناصر هدايت كننده تظاهرات عليه رژيم بود. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در اوج درگیری‌های مردم با نیروهای مزدور حکومت شاهنشاهی، برای جلوگیری از اقدامات احتمالی چماق به دستان شاه، تیم‌های گشتی را برای حفظ و امنیت شهر و نوامیس مردم ساماندهی کرد و با همکاری برادران دیگر طرح تشکیل تعاونی‌های امام را برای تأمین مایحتاج مردم ارائه داد.

مجدد که پیش از آغاز جنگ تحمیلی به توصیه سردار محسن رضایی به سازمان سپاه پیوست، پس از مدتی فرماندهی سپاه و جبهه شوش را برعهده گرفت و پس از سال‌ها جهاد و فداکاری در عرصه‌های مختلف دفاع مقدس بخصوص در شناسایی‌های بسیار خطرناک در جبهه‌های جنوب به فرماندهی قرارگاه گریلا منصوب شد که عملیات شورانگیز محرم را به نحو احسن رهبری کرد. قبل از عملیات والفجر مقدماتی قرار شد که عده‌ای از مسئولان و فرماندهان نظامی جنگ، دیداری با حضرت

امام خمینی (ره) داشته باشند، اما شهید بقایی گفت: لازم است برای شناسایی این عملیات در منطقه ما بم.ام.ا.و به همراه دیگر ارگله شهید باقری در منطقه عملیاتی مانندن و صبح روز بعد در اتفاق ایشان و چند تن از فرماندهان با دودستگاه جیب جهت شناسایی منطقه به طرف محل مورد نظر حرکت کردند.

مرتیض صفاری که همراه آن شهید بود جریان شهادتش را اینگونه روایت کرده است: روز ۷ بهمن ۱۳۶۱ از شوش به طرف فکه می‌رفتیم. در صندلی‌های عقب بین حسن باقری و مجید بقایی نشسته بودم. مجید که همیشه یک قرآن جیبی همراهش بود و در هر فرصتی تلاوت می‌کرد، داشت سوره فجر را حفظ می‌کرد.

قرآنش را داد دست من و گفت: ببین درست می‌خوانم؟ شروع کرد من و داشتم حفظ‌هایش را کنترل می‌کردم. وقتی رسید به آیات آخر سوره فجر «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتي (۲۷-۳۰)»، به فکه رسیدیم.

مجدد روز به حسن کرد و گفت: نمی‌دانم چرا آیات آخر سوره را نمی‌توانم حفظ کنم! گیر دارم. نمی‌دانم گیرش چیست؟ حسن باقری با خنده گفت: می‌دانی گیرش چیست؟ گیرش یک ترس است! گیرش یک لقمه شهادت است. بابا! یا اینها النفس المطمئنه درشان امام حسین (ع) است، شوخی که نیست.

پس از رسیدن به مقصد، همگی از ماشین پیاده شده و به طرف سنگر دیدهبانی حرکت کردند. ایشان در ربین راه به برادران همراه می‌گویی: آیا می‌شود انسان به این درجاتی که خداوند در قرآن فرموده است، برسد که:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي» و آیا خدا توفیق این امر مهم را به انسان می‌دهد که به این مرحله عالی نائل گردد؟

هنوز کلام مجید به انتها نرسیده بود که خمیاره دشمن به نزدیکی آنان اصابت کرد و او پاسخ خود را با فوران خون مطهر و قطع باهایش دریافت نمود و عاشقانه و خالصانه به سوی پروردگار خویش پرواز کرد و به جرح قرب و رضوان الهی دست یافت.

بخشی از وصیتنامه شهید بقایی: خدایا، معبودم، ای آنکه همه امیدم به توست. ای آنکه نه در کاغذ می‌گنجی و نه با قلم وصف می‌شوی. آنچنان تار و پودم آغشته به گناه است که فعلاً یاری صحبت ندارم و هر وقت می‌خواهم زبان بگشایم، شرمنده‌ام. بارها فکر کرده‌ام و در نهایت به این نتیجه رسیده‌ام که فقط در لباس شهید و با محتوای شهید می‌توانم در دادگاهت حضور یابم، بجز این هرگز که شرمنده‌ام و رسوا. خدایا بخوبی می‌دانم و برابرم ملموس است که بهترین‌ها را به سبوت می‌کشی و حجابشان را می‌دری و من این را در خود نمی‌بینم، ولی شاید دگرگونی در درونم چنین فیضی را نصیب کرد. خدایا! شاکرم از اینکه تا این حد هدایتم کردی. خدایا! اگر قدمی در راهت برداشتم از من بپذیر.